

دبیر کمیته کردستان محمد آستگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۶۸۹

ایسکرا

Tel: 0046720077654 تلفن تماس با ما

۳۰ مرداد ۱۳۹۲، ۲۱ اوت ۲۰۱۳

سردبیر عبدال گلپریان

## جنايات ارتش مصر را محكوم ميكنيم



رانده شده بود امکان داد که فرصت را برای به زیر کشیدن انقلابی اخوان و مرسی از مردم بگیرد و با يك تیر دو نشان بزند. هم خود را همراه اکثریت عظیم مردمی که خواهان برکناری مرسی بودند نشان بدهد و هم خود زمام امور را در دست بگیرد و به وسط صحنه سیاست پا

صفحه ۳

کنندگان با هیچ توجیهی قابل قبول نیست و باید از طرف همه نیروهای انسان دوست و رادیکال محکوم شود. نفس این کشتار و جنایت يك اقدام ضد انسانی است. اما در عین حال ارتش دارد با این تهاجم خونین جای پای خود را محکم میکند تا نه فقط حرکات نیروهای ارتجاعی نظیر اخوان المسلمین بلکه کلا هرگونه تحرك انقلابی را نیز سرکوب کند و جامعه را به شرایطی مشابه قبل از انقلاب بازگرداند. این ضعف رهبری و تحزب و برنامه انقلابی در صف انقلاب بود که به ارتش که در جریان انقلاب بشدت تضعیف شده و عقب

ارتش مصر تهاجم خونینی را به تظاهرات و تجمعات نیروهای مدافع اخوان المسلمین به جریان انداخته است. آمار رسمی خود دولت تا این لحظه مرگ بیش از ۵۰۰ نفر را تایید میکند. اما اخوان المسلمین از کشته شدن بیش از ۲۰۰۰ نفر و زخمی شدن شماری بسیار بیشتر سخن میگوید. در شهرهای مختلف مصر حکومت نظامی اعلام شده است. در مجموع روشن است که ارتش مصمم است هرگونه حرکت نیروهای حامی مرسی را قلع و قمع کند.

جنايات و کشتار تظاهر

## سماجت کارفرمای فولاد زاگرس: فقط یک ماه از حقوقهای معوقه را میپردازم!

نسان نودینیان: به دلیل پیگیری

کارگران بر سر خواستههای خودشان این موفقیت به انجام خود رسید. خواست کارگران که پرداخت دستمزدهای معوقه و مزایای پرداخت نشده و مقابله در مقابل اخراج دسته جمعی بود. در ۸ تیر به ۲۵۰ نفر از کارگران توسط کارفرما اعلام شد که کارخانه را میفروشد و تعطیل میکند. در همان ساعتی که شروع این پروسه (اخراج دسته جمعی کارگران فولاد زاگرس) کارگران دست به اعتراض دسته جمعی زدند. در مقابل کارخانه تجمع اعتراضی را سازمان دادند و وقتی به نتیجه نرسیدند دسته جمعی در شهر سنج (مرکز استان کردستان) و در جلو استانداری تجمع اعتراضی را ادامه دادند. استاندار و کارفرما به



نسان نودینیان

دور سوم از مذاکرات کارگران فولاد زاگرس در ۲۳ مرداد با سماجت کارفرما بی نتیجه به پایان رسید. کارگران در ۲۸ مرداد با شنیدن خبر فروش اموال کارخانه در مقابل در ورودی کارخانه تجمع کردند و مانع خروج اموال کارخانه شدند.

مروری کوتاه مبارزه و اعتراض کارگران فولاد زاگرس را در مصاحبه ایسکرا با نسان نودینیان مورد بررسی قرار میدهیم.

**ایسکرا:** بیش از یک ماه از اعتراضات کارگران فولاد زاگرس قروه میگذرد. این تجمعات اعتراضی در دور اول و دوم کارگران زاگرس با موفقیت به نتیجه رسید. این موفقیت چگونه ممکن شد؟

خواستهای کارگران با بی توجهی به این اعتراض برخورد کردند. کارگران در ۴ تیر تجمعات خودشان را به مقابل بیت رهبری در تهران کشاندند. دفتر بیت رهبری با فشار و امنیتی کردن این اعتراضات به قصد تعطیل کردن اعتراضات از مذاکره سرباز زدند. اما کارگران همچنان بر خواستههایشان پافشاری کردند. در نتیجه استقامتشان دفتر بیت رهبری

صفحه ۲

## مشکلات در زندگی خانوادگی و قتل های ناموسی

به عنوان دختری که در يك جامعه سنتی کرد بزرگ شدم و کم و بیش با این مشکلات دست و پنجه نرم کرده ام به جرات می گویم در مناسبات خانوادگی و فامیلی سنتی به زن به چشم يك کالا نگاه می کنند



باران مصلح زارآبادی

صفحه ۴

## اعتراض کارگران فولاد زاگرس ادامه دارد

دست به تجمع در مقابل اداره کار شهرستان قروه زدند. بنا بر گزارشهای منتشر شده از

صفحه ۲

چهارشنبه ۲۳ مرداد جلسه هیات تشخیص این اداره برای رسیدگی به شکایت برگزار شد و همزمان با تشکیل این جلسه کارگران اخراجی

پس از گذشت بیش از یکماه از اعتراضات کارگران اخراجی فولاد زاگرس و شکایت آنها از کارفرما به اداره کار شهرستان قروه، صبح روز

## کارگران اخراجی فولاد زاگرس همزمان با برگزاری جلسه هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه دست به تجمع در مقابل این اداره زدند

قروه زدند و با نصب پلاکاردی بر روی دیوار آن خواهان احقاق حقوق حقه شدند.

صفحه ۳

اداره برای رسیدگی به شکایت این کارگران برگزار شد و همزمان با تشکیل این جلسه کارگران اخراجی فولاد زاگرس دست به تجمع در مقابل اداره کار شهرستان

پس از گذشت بیش از یکماه از اعتراضات کارگران اخراجی فولاد زاگرس و شکایت آنها از کارفرما به اداره کار شهرستان قروه، صبح امروز جلسه هیات تشخیص این

صفحه ۵

مختصری از تاریخ یک دوره / بخش بیست و سوم / عبدال گلپریان

قسمتی از بخش سوم: انترناسیونالیسم و مساله ملی / زاویه تاریخی / منصور حکمت

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ سماجت کارفرمای فولاد ...

مجبور شد با ارسال نامه ای به مجلس ادامه اعتراضات کارگران را به طرف مجلس بفرستد. کارگران اعتراض در مقابل مجلس را در ۲۵ تیر ادامه دادند و در نامه ای خطاب به مجلس ۵ مطالبه زیر را ارائه می دهند. ۱- بازگشت به کار و یا در غیر اینصورت بازنشستگی بیش از موعد ۲- ارائه مطالبات سریع حقوق و معوقات گذشته ۳- اجرای سختی کار تایید پده قبلی و درج آن در سوابق کاری ما ۴- ارائه مابه التفاوت در سنوات گذشته ۵- بررسی پرونده پزشکی پرسنل توسط پزشک معتمد. تحت فشار این اعتراضات ۲۵ نفر از نمایندگان خواهان رسیدگی به مطالبات و خواست کارگران میشوند. در نتیجه کمیسیون اصل نود با یک مهلت چند روزه از کارگران میخواهد به تجمعاتشان پایان دهند.

در راه بازگشت به شهر قروه دسته جمعی به کارخانه فولاد زاگرس میروند. با مانع عوامل امنیتی روبرو و مانع ورود به محل کار توسط عوامل امنیتی میشوند. با ایجاد این موانع کارگران عقب نشینی نمیکنند و در پارک شهر تصمیم به برپایی مجمع عمومی میگیرند. در این مجمع عمومی کارگران بر ادامه اعتراضات خود پافشاری میکنند. و از ۳۱ تیرماه در تهران و در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمعات خود را ادامه دادند. نماینده کارگران پروین محمدی از اتحادیه آزاد کارگران و دو نفر از کارگران کارخانه فولاد برای شرکت در جلسه کمیسیون اصل نود وارد مجلس شدند. و با برگزاری جلسه با این کمیسیون تجمعات کارگران فولاد زاگرس در مقابل کمیسیون که مدیر عامل کارخانه، نماینده های هر یک از سهامداران، نماینده شهر قروه و رئیس کمیسیون کارگری مجلس نیز شرکت داشتند و حدود ۵ ساعت طول کشید این کمیسیون کارفرما را متعهد به توافق زیر کرد: ۱- کارفرما حق تعطیلی فولاد زاگرس و اخراج کارگران را ندارد و کارگران شاغل در آن کارخانه تحت هر شرایطی کارگر فولاد زاگرس به حساب می آیند. ۲- در صورت فروش کارخانه اسناد و

خواستهای کارگران زاگرس قروه ایجاد کرده اند. ادامه این اعتراضات به چه شکل ممکن می تواند از سد این موانع بگذرد و خواستهای آنها عملی شود؟

**نسان نودینیان:** تا کنون کارگران و نماینده کارگران با هوشیاری و دقت و آگاهی که از قانون دارند و با دفاع سرسختانه و درست از خود و حفظ اتحادشان، تمام کارهایی که کارفرما بر علیه آنها و برای به شکست کشاندنشان انجام داده را باطل کرده اند و این تضمینی است بر این که کارفرما نتواند به راحتی کلاه سر کارگران بگذارد و بازم حقه بازی های آنها با ادارات انتظامی و امنیتی بر علیه کارگران به کار بیفتد. یکبار فرماندار مزدور را جلو انداختند این مزدور با تمام امکان و توانش در مقابل خواست کارگران ایستاد و اعلام کرد که صورت جلسه اصل نود ارزش ندارد. البته کارگران در مقابل این مزدور جمهوری اسلامی و خدمتگذار کارفرما ایستادند. ۱۲ مرداد کارگران فولاد زاگرس پس از عزیمت به کارخانه و امضای دفتر حضور و غیاب با در دست داشتن صورتجلسه کمیسیون اصل نود دست به تجمع اعتراضی در مقابل اداره کار شهرستان قروه زدند و خواهان اجرای این صورتجلسه و رسیدگی به خواستهای خود میشوند. بدنبال این تجمع اعتراضی، نماینده های کارگران به جلسه ای در اداره کار دعوت شدند.

در این جلسه رئیس اداره کار شهرستان قروه با دادن جوابهای سربالا به نماینده های کارگران اعلام کرد صورتجلسه کمیسیون اصل نود ارزشی ندارد و شما برای رسیدگی به هر دو مورد از خواسته هایتان (دریافت چهار ماه دستمزد معوقه و بازگشت بکار) می باید شکایت کنید و تا ۱۸ مرداد برای ارائه شکایت فرصت دارید. همین مسئله که آیا کارفرما قبول می کند یک سوال جدی است چون تا کنون تجربه کارگران و مبارزاتی که تا حالا وجود داشته این را نشان داده که به راحتی اداره کار یا اداره اطلاعات یا مرکز و مقامات دولتی حامی کارفرما می شوند مثل همیشه نظم و منافعی که آنها لازم دارند بالاتر از هر چیزی برای نمایندگان سرمایه داری و مقامات جمهوری اسلامی

## از صفحه ۱ اعتراض کارگران فولاد ...

سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، جلسه هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه با شرکت جعفر

عظیم زاده عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به عنوان نماینده کارگران با همراهی شش نفر از کارگران از یک سو و نماینده کارفرما از سوی دیگر و همچنین ناظرینی از اداره کار سنجند و نماینده های استان کردستان برگزار شد و شکایت کارگران اخراجی را مورد رسیدگی قرار داد و مقرر گردید رای این هیات بعدا صادر شود.

در این جلسه کارفرمای کارخانه فولاد پرداخت دستمزدهای معوقه را مشروط به باز پس گیری شکایت کارگران کرد و تنها وعده پرداخت یک ماه از حقوق معوقه کارگران را تعهد کرد. اما نمایندگان کارگران خواهان بازگشت به کار و پرداخت ۵ ماه دستمزد معوقه و دیگر معوقات خود شدند. بنا بر این گزارش، کارگران معترض فولاد زاگرس پس از پایان جلسه هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه و شنیدن گزارش نمایندگان خود از جلسه هیات تشخیص، به تجمع خود در مقابل این اداره پایان دادند و اعلام کردند برای پیگیری خواستهای خود که مورد بی توجهی مسئولان استانی

قابل ادامه و تحقق خواستهاست؟ نسان نودینیان: دو دوره را من از هم تفکیک میکنم. دور اول و یا شروع این اعتراضات است تا به شمر رسیدن تجمعاتشان در تهران و کشاندن کمیسیون اصل نود و کارفرما به قبول خواستهای کارگران. در این مرحله این اعتراضات به اندازه کافی اعتماد به تجمعات اعتراضی و مجمع عمومی و تداوم مبارزه را ایجاد کرده است. و دور دوم که با سماجت و ایجاد سد و موانع از جانب کارفرما و اداره کار و فرماندار ایجاد شده است. این دوره و تداوم اعتراضات اما در گرو اقدامات جدیدتر و سازمانیافته تری است. که من آنرا بعنوان اقدامات عاجل و فوری تعریف کرده ام.

است و این ها هستند که جاده را صاف و هموار کرده اند برای اخراج و سرکوب کارگران که صدای آنها به جایی نرسد. این تجارب و حمایت های اداره کار و فرماندار قروه این را ثابت کرد که کارگران با اعتراض و تداوم این اعتراضات است که میتوانند خواست و مطالباتشان را تحقق بخشند. به همین دلیل است که هنوز اعتراضات کارگران ادامه دارد. و همچنانکه اشاره کردم کارگران عقب نشینی نکرده و همچنان برای عملی کردن خواست هایشان (دریافت پنج ماه دستمزد معوقه و بازگشت بکار) به تجمعات اعتراضی شان ادامه دهند.

**ایسکرا:** در شرایط کنونی این اعتراضات با کدام شکل ممکن

## از صفحه ۲ سماجت کارفرمای فولاد ...

ایجاد صندوقهای حمایتی مالی از اعتراضات. خانواده های کارگری میتوانند در ایجاد این صندوقها و مراجعه به بخشهای مختلف تولیدی در قروه، سنندج و تهران همراه نمایندگان از کارگران در ایجاد این صندوقها و جمع آوری مبالغ قابل توجهی فعالانه تلاش کنند. دعوت و تشویق معلمان، دانشجویان و شهروندان شهر قروه به منظور حمایت از این اعتراضات هم امری مهم و توان و قدرت اعتراض را بالا خواهد برد. میدیای اجتماعی و کانالهای تلویزیونی در راه همورا کردن و دعوت و تشویق شهروندان شهر قروه میتوانند موثر واقع شوند. توافقات عینی جلسه مشترک کمیسیون اصل نود و نمایندگان کارگران پایان اعتراضات کارگران فولاد زاگرس قروه نیست. به بیان و ادبیات کارگران تحقق این بندها دوره جدید از اعتراضات را در دستور کار کارگران قرار میدهد. پیش شرط و شروع این مصاف در «گرو یکم» اتکا به مجمع عمومی روتین و راه کارهای تحقق بندهای مورد توافق است. «دوم» ارتباط روتین نمایندگان مجمع عمومی کارگران کارخانه ذوب آهن زاگرس با بخشهای مختلف مراکز تولیدی و کارخانه ها در سطح سراسری و

کارخانه و ممانعت از خروج اموال کارخانه در ادامه این سنت و تجارب است. همگام با تجمعات و اعتراضات کارگران زاگرس قروه، قطعاً جمع ها و تشکل های موجود کارگران و فعالین کارگری در این مبارزات نقش ایفا کرده اند، اتحادیه آزاد کارگران، بویژه در زمینه دفاع از کارگران و شرکت در جلسات آنها با کمیسیون اصل نود، و کارفرما و فرماندار شهر قروه و زیر پوشش قرار دادن اخبار و تجمعات خوب عمل کرد. سایر تشکلهای هم با انتشار اطلاعاتی حمایتی از این اعتراضات و مطالبات کارگران حمایت کردند. این خود نیز دستاورد مهم و قابل اتکایی است. این سنت را به نظر من باید بیش از این بکار گرفت. این اعتراضات نشان دادند که تنها متحد واقعی و طبیعی کارگران زاگرس تشکلهای موجود و فعالین کارگری و خانواده هایشان هستند. این اعتراضات هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است. تحقق این مطالبات به مساله مهم تبدیل شده است. حمایت گسترده کارگران و شرکت خانواده هایشان در این اعتراضات و تحکیم ارتباط در شکل مجمع عمومی فاکتورهای جدی در تداوم این اعتراضات است.

معوقات در مراجع قانونی تاکید نمودند و خواهان رسیدگی فوری به خواستههای خود شدند. در این جلسه نماینده کارفرما در حالی بر ۲۰ درصد باقی مانده بازسازی کارخانه و وصل کدخدانسانه کارگران به بیمه بیکاری و سپس به بکارگیری مجدد آنان با همان شیوه کدخدانسانه تاکید داشت که قبلاً کارفرمای فولاد زاگرس در کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی بر فروش کارخانه صحنه گذاشته بود. بنا بر این گزارش، کارگران معترض فولاد زاگرس پس از پایان جلسه هیات تشخیص اداره کار شهرستان قروه و شنیدن گزارش نماینده هایشان از جلسه هیات تشخیص، به تجمع خود در مقابل این اداره پایان دادند و اعلام کردند برای پیگیری مصوبات کمیسیون اصل نود مجلس شورای اسلامی که مورد بی توجهی مسئولان استانی

## از صفحه ۱ جنایات ارتش مصر ...

بگذارد. این روندی بسیار خطرناک و علیه انقلاب است و جبهه انقلاب باید با هوشیاری با این حرکت ارتش مقابله کند. اعتراضات هرروزه و تظاهرات چند ده میلیونی مردم انقلابی مصر علیه مرسى و اخوان المسلمین در ماه ژوئیه (تیرماه)، يك حرکت تاریخی برای عبور دادن مصر از ارتجاع و تحجر و يکه تازی نیروهای ارتجاعی اسلامی نظیر اخوان المسلمین به سمت يك جامعه انسانی بود. اما يك وظیفه دیگر غیرقابل چشم پوشی و تاریخ ساز انقلاب این است که با هوشیاری، ارتش و کل بقایای نظام سابق را از صحنه سیاست جارو کند و اجازه ندهد که ارتش انقلاب را به شکست بکشاند.

نفرت از ارتجاع اسلامی و مرسى نباید باعث شود که مردم انقلابی بر کشتار حامیان آنها توسط ارتش چشم ببندند و اجازه دهند که ارتش در سرکوب بیرحمانه تظاهرات و تجمعات دست بازی پیدا کند. هیچ تردیدی نباید داشت که هم ارتش و هم ارتجاع اسلامی نماینده و ابزار حاکمیت بخشهای مختلف يك اقلیت مفتخور سرمایه دار

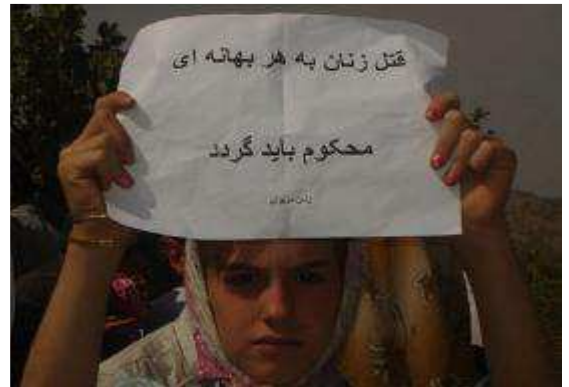
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۴ مرداد ۱۳۹۲، ۱۵ اوت  
۲۰۱۳



قرار گرفته است در وقت مقتضی بار دیگر عازم تهران خواهند شد. رسیدگی به شکایت و تجمع امروز کارگران اخراجی فولاد زاگرس در مقابل اداره کار شهرستان قروه در حالی برگزار شد که این کارگران با تنظیم کیفرخواستی در دادگاه

اتحادیه آزاد کارگران ایران  
۲۳ مرداد ماه ۱۳۹۲

## از صفحه ۱ مشکلات در زندگی خانوادگی ...



و همیشه زنان در جاتی پایین تر از مرد قرار دارند و مرد حق مالکیت بر زن را برعهده دارد. در جوامع سنتی حیثیت و آبرو و ننگ خانواده و فامیل به زن گره خورده است. در این جوامع موضوع فقط خانواده نیست بلکه آبروی فامیل و بستگان می باشد. به علت مرد سالاری بودن خانواده های سنتی آنها درباره آینده فرزندان (مخصوصاً برای دختران) تصمیم می گیرند و حرف اول و آخر را بزرگ خانواده می زند. به خاطر همین امر هویت فردی برای زنان از بین می رود.

در جوامع سنتی رابطه ها مانند تارهای عنکبوت بهم وصل می شوند و هر رابطه به رابطه دیگر گره خورده است چون ۹۹٪ ازدواج ها فامیلی بوده و بیشتر این ازدواج ها با عدم رضایت طرفین صورت می گیرند و رضایت پدر و برادر از رضایت دختر مهمتر است. به همین خاطر ساختار در چنین ساختار خانوادگی و فامیلی بسیار تنگاتنگ و نزدیک است و هر گونه سرپیچی به معنای شکستن هنجارهای فامیل و باعث ننگ آن قبیله است.

زنان در صورت عدم رضایت از زندگی مشترک هیچ شانس برای جدایی و ساختن زندگی دوباره

به شدت از سوی بزرگان یا خانواده فرد جوان سرکوب می گردد و فشارهای روانی زیادی را بر جوانان وارد می کنند چنانچه این رابطه ها آشکار شود باعث خودکشی و یا قتل زنان می شود.

ناموس در زندگی مناسبات سنتی خانوادگی یک مسئله خصوصی است و قانون در آن دخالت نمی کند، بزرگان نیز از این امر چشم پوشی می کند چون لکه ننگی را که باعث آبرو ریزی آنها بود پاک کرده اند. در چنین مناسبات عقب مانده ای افراد مطیع ریش سفیدان و همسو با نظام خویشاوندی هستند. بارها دیده ام با فاش شدن رابطه یک زن یا دختر با مردی نامحرم و یا حتی اگر زنی مورد تجاوز قرار گرفته باشد تنها حرکتی که دیده و شنیده ام توسط اطرافیانش به قتل رسیده است. و یا اینکه به دلیل فشارهای بیش از حد فکری روحی و روانی از سوی خانواده همسر اطرفیان در رابطه ای که به اصطلاح ناموسی بوده مجبور به خود سوزی و خودکشی می شوند.

گاهی در این خانواده قاتلین از طرف اطرفیان مورد تشویق و تمجید نیز قرار می گیرند که لکه ننگ خانواده را پاک کرده است. زنان خیلی راحت به قتل میرسند چون سرزیر نیستند. بدون اینکه فرد قاتل مورد مجازات و پناز خواست قرار بگیرد. یکی دیگر از رسوم دست پا گیر و رنج آور در چنین سنت و مناسباتی رسم "زن به زن است در این رسم زنان بدون هیچ اختیار و اراده ای به ازدواج کسی در می آیند که پیش از این خانواده و یا خویشان آن مرد زنی از آنان ستانده باشد، افزون بر اجبار و نبود حق انتخاب برای زنان چنانچه بنیاد یکی از خانواده ها ویران شود، خانواده دوم حتی در صورت نبود مشکل تحت هر شرایطی از هم

## سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماماً خالی شده است. سالها است شمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریسه های سنگین محکوم کرده اند.

گله آخوند تربیت کرده اند که خزانه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راه جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیگاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون باد سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!  
زنده باد سوسیالیسم!  
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

**FITNAH**  
از ۱۹

مناحدهی --۰۰۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳  
کوان جاوید --۰۰۲۴۷۸۱۴۷۶۵۲۹  
موم نمازی --۰۰۲۴۷۷۱۹۱۶۶۷۲۱

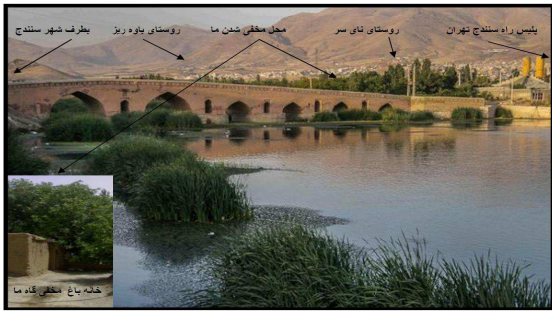
آدرس پستی  
Maryam Namajie  
Flat 106 London WC1N1XX UK  
Email: fitnahmovement@gmail.com  
Blog: http://fitnahmovement.blogspot.com  
Website: www.fitnah.org  
Facebook: www.facebook.com/fitnahmovement

پاشیده می شود. اولیای دم خود در وقوع قتل دست داشته اند.

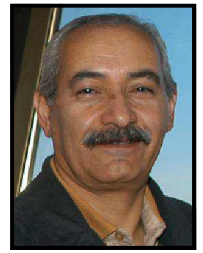
طبق قانون مجازات اسلامی هرگاه مردی همسر خود را با مرد اجنبی ببندد، میتواند در همان حال آنان را به قتل برساند. و در ماده دیگری از قانون مجازات اسلامی آمده است در صورتی که پدر یا جد پدری فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و فقط به پرداخت دیه قتل به ورثه و تعزیه محکوم خواهد شد و اگر اولیای دم به قاتل رضایت دهند قاتل قصاص نمی شود چرا

**تبعیض علیه زنان یک مشخصه مهم دنیای امروز است. در بخش اعظم کشورهای جهان، زن رسماً و قانوناً از همان حقوق و آزادی های محدود و محقری هم که مردان از آن برخوردارند محروم است. در کشورهای از نظر اقتصادی عقب افتاده تر و در جوامعی که نفوذ مذهب و سنت های کهنه بر نظام سیاسی و اداری و فرهنگی جامعه عمیق تر است، ستمگشی زن و بی حقوقی و فرودستی او در آشکارترین و زمخت ترین اشکال خودنمایی میکند. در کشورهای پیشرفته تر و مدرن تر، و حتی در جوامعی که به لطف جنبش های مدافع حقوق زنان و تعرضات سوسیالیستی کارگری تبعیض جنسی علی الظاهر از بخش اعظم قوانین حذف شده است، زن همچنان در متن مکانیسم اقتصاد سرمایه داری و سنت ها و باورهای مردسالارانه جاری در جامعه، عملاً از جهات بسیار مورد تبعیض و ستم قرار دارد.**

از یک دنیای بهتر برنامه حزب کمونیست کارگری ایران



## مختصری از تاریخ یک دوره / بخش بیست و سوم



عبدل کلپرین

مدارها را برای تماس فردا صبح گذاشتیم و همگی خسته و کوفته خوابیدیم.  
روز بعد حوالی ساعت ۱۰ صبح بیدار شدیم و صاحب خانه با صبحانه خوبی از ما پذیرایی کردند. تا حرکت بعدی و خروج از روستا بخوبی استراحت کرده بودیم. هر بار برای رعایت نکات امنیتی طرحهایی را به اجرا می گذاشتیم. چرا که بعد از ورود و خروج از هر روستایی، اهالی روستا یا کسانی که در منازلشان مخفی میشدیم، از مبدا و مقصد حرکت ما اطلاع نداشتند و خودشان هم سوال نمی کردند. حوالی عصر بود و هوا داشت کم کم تاریک می شد. یکی دو ساعت قبل از حرکت به مقصد بعدی که روستای باوریز بود غذای ساده ای شامل نان و پنیر، ماست و گردو برایمان آماده کردند که اگر در بین راه گرسنه شدیم از آن استفاده بکنیم. با تیم دیگر تماس بی سیمی گرفتم که در بیرون از روستا و در نقطه ای که مسیر باوریز است بهم ملحق شویم. بعد از روبروسی با اهالی منزل در بیرون از روستا به تیم دیگر ملحق شدیم. در بین راه مسیر قولیان باوه ریز استراحتگاهی کوتاهی داشتیم و هر يك از رفقای هر دو تیم اتفاقات و گفتگوهای روز قبل با صاحب خانه و اطلاعاتی را که کسب کرده بودند تعریف می کردند. مسیر روستای قولیان تا روستای باوریز زیاد دور نبود و حدودا یکساعت فاصله داشت. اتفاق جالبی که افتاد و خاطره بسیار شیرینی برای من است بد نیست اینجا بازگو کنم.

رفقای تیم دیگر برای رد گم کردن به صاحب خانه گفته بودند مسیر طولانی در پیش داریم و آنها نیز با در نظر گرفتن اینکه ممکن است تمام روز به غذا دسترسی نداشته باشند، یک عدد مرغ درسته را آب پز کرده بودند و بعد از پخت کامل آنرا همان لحظه که از دیک درآورده بودند در لابلای چند عدد نان پیچیده و در یک پارچه ای گذاشته بودند که سرد نشود و رفقا بعنوان توشه مسیر راه با خود داشته باشند. بعد از اینکه طی مسافت یک ساعته ای وارد روستای باوریز شدیم سریعاً و اینبار در يك منزل مستقر شدیم.

تازه هوا تاریک شده بود که وارد روستای ماموخ شدیم. فاصله روستای ماموخ تا جاده اصلی سنندج دیواندره حدود یک کیلومتر بود. برخلاف روستاهای دیگر بر ارتفاعات مشرف بر روستا پایگاه رژیم وجود نداشت. به دو تیم سه نفره تقسیم شدیم و هر تیم به منزلی رفتیم. پذیرایی بسیار گرمی از ما شد. بعد از استراحت و خوردن شام و کسب اطلاعات لازم از صاحب خانه در مورد اوضاع منطقه از روستا خارج شدیم. ماموریت ما دیگر مثل واحدهای دسته سازمانده نبود می بایست خود را به اطراف شهر می رساندیم و بتدریج طرح و برنامه کاری خود را پیاده می کردیم. مقصد بعدی ما روستای "قولیان" بود که در آنسوی جاده سنندج دیواندره واقع شده بود. برای رسیدن به روستای باوریز که جزو روستاهای حاشیه شهر بود این مسیر نسبتاً مناسب و امن تر بود اما می بایست توقف و استراحتی یک روزه را در روستای قولیان می داشتیم. بعد از چند ساعت پیاده روی و استراحتهای کوتاه در بین راه، به روستای قولیان رسیدیم.

نیمه های شب بود و سریعاً در دو منزل مستقر شدیم. صاحب خانه که با صدای ما از خواب بیدار شده بود ابتدا کمی دلهره داشت. بعد که در را باز کرد و متوجه شد که ما هستیم خوشحال شد و خیلی گرم و صمیمانه ما را به داخل راهنمایی کرد. به او گفتم امشب را اینجا می مانیم و رفقای دیگر ما در منزل دیگری هستند. در پاسخ گفت اگر دوست داری بجای یک شب چند شب بمونید منطقه امن است و افراد گروه ضربت هم خیلی کم به اینجا می آیند. از تشکر کردم و گفتم نمیتوانیم زیاد بمانیم چون باید فردا شب از اینجا برویم. برایمان نان و ماست و کره آورد و ما هم بعد از خوردن بشدت تشنه خواب بودیم. در تماس با تیم دیگر همه قرار و

شدم که نشان دهم گرسنه هستم. به بقیه رفقا گفتم که آنها هم سر سفره بیایند و الکی وانمود کنند که دارند غذا می خورند. در این لحظه یکی از رفقای که در تیم قبلی آن مرغ پخته را به همراه داشت آنرا از پارچه بیرون آورد و با نانی که دور آن پیچیده شده بود در وسط سفره گذاشت که به محض باز کردن و در آوردن از پارچه و نون، آزش بخار بلند شد و همچنان گرمی و داغی مرغ قابل مشاهده بود. به یکباره صاحب خانه و همسرش خندیدند و گفتند "با بخار و داغی این مرغ معلوم است که از راه خیلی دوری اومدید". البته این اتفاقات و این کارها برای میزبانان ما قابل درک بود که همه این حرفها فقط بخاطر رعایت مسایل امنیتی است. آتشب هر وقت میزبان از اتاق خارج میشد تا چای یا چیز دیگری برای پذیرایی بیآورد ما کلی به این ماجرا و اینکه دستمان رو شده بود می خندیدیم.

مردم روستاها حتی با دیدن نان در توشه ما می دانستند که پخت کدام روستا است. بعدها بسیاری از این ماجراها به جوکهای مستندی تبدیل شد که وقتی به اردوگاه باز می گشتیم بعنوان قصه های شیرین و خاطرات آتدوره بازگو میشد.

آتشب را در روستای باوریز و در همان منزل ماندگار شدیم و قرار بود روز بعد خود را به باغهای اطراف روستای نایسر که فاصله چندانی با روستای باوریز نداشت، نای سر در طول روز در فضای باز بسر می بردیم. بعد از جدا شدن از رفقای گردان شوان چهار روز می گذشت و می بایست از طریق بی سیم بزرگتر که به همراه داشتیم با کمیته ناحیه تماس می گرفتیم و شرایط و موقعیت خود را به اطلاع آنها می رساندیم. استفاده از بی سیم راکال نیاز به فضای باز داشت و می بایست آنتن آنرا که عبارت از سیمی کابل مانند بود و نیاز به فضایی تا بیش از ده متر را داشت نصب و

سپس تماس را برقرار می کردیم. بعد از استراحتی یک روزه در روستای باوه ریز و تهیه نیازمندیهای خوراکی برای یک روز کامل، تا نصفه های شب نیز خواب لازم را از سر گذرانیدیم و دو ساعت مانده به روشن شدن هوا از روستای باوه ریز خارج شدیم. هنوز هوا کاملاً روشن نشده بود که به باغهای مملو از درخت روستای نایسر رسیدیم. طرح ما این بود که در فضای باز و در میان باغهای پر از درخت خارج از روستای نایسر مخفی شویم و همزمان تماس بی سیمی را هم گرفته باشیم. علاوه بر این، شناسایی مرکز پلیس راه سنندج تهران که در چند صد متری پل قشلاق سنندج و در مجاورت سیلو بود را در دستور داشتیم که عملیاتی ایزابی بر روی این مرکز یکی از طرحهای اولیه ما بود.

در باغهای روستای نایسر خانه باغهایی که محل استراحت باغداران بود وجود داشت و ما یکی از این خانه باغها را که بشکل منزل ساخته شده بود و دارای دیوار بلند و حیاط و دروازه ای قدیمی بود انتخاب کردیم. صاحب این خانه باغ را هم می شناختیم و این را مد نظر داشتیم که اگر در طول روز قصد سر زدن به این مکان را داشته باشد ما چگونه با موضوع روبرو شویم. محل استقرار ما همانگونه که در عکس مشخص است به این شکل بود. روستای باوریز در شمال محل استقرار ما قرار داشت، نای سر در شمال شرقی، به پل قشلاق در جنوب و مرکز بازرسی جاده سنندج تهران هم در جنوب شرقی موقعیت ما واقع شده بود که فاصله تقریبی ما با این مرکز شاید در حدود دو الی سه کیلومتر بود. بعد از استراحت و جبران کمبود خواب شب قبل، همگی بیدار شدیم و در تدارک صرف صبحانه و انجام کارهایی که باید در طول روز بدان می پرداختیم.

ادامه دارد



## زاویه تاریخی

مارکس در ابتدای عصر ناسیونالیسم زندگی میکرد. اما این، ناسیونالیسم امروز و یا ناسیونالیسم دوران لنین نبود. بستر اصلی ناسیونالیسم در این دوره نه فقط قومی نبود، بلکه ادغام اقوام متعدد در چهارچوبهای ملی واحد مضمون آن را تشکیل میداد. روند ملت سازی و کشور سازی دوران مارکس نه روند کشوردار شدن همه ملل یا اقوام، بلکه شکل گیری اقتصادهای ملی کاپیتالیستی قابل دوام در اروپا و در هم ریختن نظم کهنه بود. بعضا اسنادی وجود دارد که در آنها مارکس و انگلس اصل ملیت و یا عبارتی که بعدها رواج یافت، «حق تعیین سرنوشت»، را حق «همه ملل» دانسته اند. اما موضع برجسته تر و شاخص تر مارکس و انگلس تفکیک «ملت» از «ملیت» و ملل «تاریخی» از ملل «غیر تاریخی» است، یعنی مللی که به حکم شرایط عینی در پروسه عروج پی در پی جوامع صنعتی سرمایه داری شناس واقعی ایجاد کشور خویش را دارند. شمول موضع مارکس و انگلس در واقعیت امر بسیار محدودتر از «همه ملل» است. صحبت بر سر روند عینی شکل

ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری  
قسمتی از بخش سوم: انتر ناسیونالیسم و مساله ملی

گیری و قوام گرفتن ساختارهای ملی - کشوری قابل دوام کاپیتالیستی در اروپاست و نه حق همه ترکیبهای ملی و قومی جهان به ایجاد کشور خویش. مارکس و انگلس تعلقات ملی - قومی را بعنوان مبنای تشکیل کشورهای مستقل صریحا رد میکنند. در موارد معدودی که مارکس مشخصا به حمایت از استقلال ملل کوچک تر و فرعی تر و «غیر تاریخی» نظیر ایرلند و لهستان برخاسته است، خاصیت سیاسی این موضعگیری برای پیشرفت جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر صریحا روشن بوده است. استقلال لهستان به ارتجاع تزاری ضربه میزند و استقلال ایرلند زمینداری بزرگ بریتانیا را در حلقه ضعیفش میکوبد و نیز يك عامل تاریخی نفاق بین طبقه کارگر در انگلستان و آمریکا را از میان میبرد.

دوران لنین دیگری است. وقتی لنین از حق جدایی ملل سخن میگوید، اساسا ملتهای تحت ستم در امپراطوری تزاری و مستعمرات و کشورهای تحت سلطه امپریالیسم جلوی چشمش میبایند. توجه لنین به نقش مثبت مبارزات ضد استعماری ملل کوچک در مستعمرات در ضربه زدن به قدرت بورژوازی جهانی است. اینجا هم به معنایی دیگر با يك روند ایزکتیو ملت سازی بر متن يك نظم کهنه و ارتجاعی، در راستای تحول مناسبات اقتصادی و رشد سرمایه داری در مقیاس جهانی،

روبرو هستیم. با نوعی ناسیونالیسم روبروئیم که نه صرفا در برابر پرولتاریا و جنبش کارگری، بلکه همچنین در برابر استعمار، ارتجاع سیاسی و فئودالیسم معنی پیدا میکند. توجه لنین به توان سیاسی این جریان و نوع و نحوه تلاقی و تقابل آن با جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است. مساله حق تعیین سرنوشت برای لنین در این چهارچوب سیاسی معنی پیدا میکند. لنین هم دامنه شمول این حق را محدود میکند. فرمول حق تعیین سرنوشت در روایت لنین از فرمول مارکس و انگلس عام تر است، اما از نظر عملی با تفکیکی که میان «حق جدایی» و «به صلاح بودن جدایی» قائل میشود، عملا حمایت جنبش کمونیستی از جدایی ملتها را به موارد معدودی محدود میکند. تشخیص مطلوبیت جدایی و یا توصیه و عدم توصیه به جدایی در فرمولبندی لنین کاملا به تحلیل شرایط مشخص موكول میشود.

دوران ما دوران کاملا متفاوتی است. تا قبل از فروپاشی بلوک شرق هیچ روند فراگیر و یا تعیین کننده ملت سازی در سطح جهانی و یا در مقیاس منطقه ای در جریان نبود. موارد پراکنده ای که وجود داشت، حداکثر میتوانست آرایش ملی جهان معاصر را در جزئیات کم اهمیتی تعدیل کند. از این مهمتر، حرکتهای ملی فاقد محتوای اقتصادی ویژه ای بودند. تحولات مورد نظر جنبشهای

ملی اساسا سیاسی و فرهنگی بودند. منشاء این جنبشها نه تحولات اقتصاد سیاسی جهانی، نظیر دوران مارکس و لنین، بلکه اساسا ستم ملی و فرهنگی و یا تخاصمات ناسیونالیستی بر سر قدرت بوده است. اقتصاد سیاسی جهان و قطب بندی های اقتصادی و سیاسی آن از این کشمکشها کوچکترین تاثیری نمیپذیرد. آنچه اساسا در این دوره در قلمرو بحث حق تعیین سرنوشت وجود دارد، تعدادی مساله حل نشده ملی است، مانند مساله فلسطین، مساله کرد، مساله ایرلند و غیره که بدرجات مختلف مانع سیر متعارف اقتصاد کاپیتالیستی در منطقه خویش هستند و یا به عامل بی ثباتی و تنش سیاسی در مقیاس منطقه ای و جهانی تبدیل شده اند. این مسائل بعضا به صحنه هایی از يك جدال وسیعتر میان غرب و شرق تبدیل شده بودند و به این اعتبار محتوایی غامض تر از موارد متعارف کشمکش ملی یافته اند.

سقوط بلوک شرق به معنای جدایی يك روند ملت سازی را آغاز میکند، که حتی از نظر اقتصادی هم محتوایی تعیین کننده دارد. سرمایه داری بازار در بخش عظیمی از جهان صنعتی و نیمه صنعتی، در متن گسیختگی کلیه ساختارهای سیاسی نظام پیشین و نبود يك قالب ایدئولوژیکی پذیرفته شده برای حاکمیت، میرود جای مدل به بن بست رسیده سرمایه داری دولتی را بگیرد. نوعی از ناسیونالیسم، اساسا ناسیونالیسم قومی، بعنوان ماتریالی برای بنا کردن شالوده

ایدئولوژیکی حکومت و کسب مشروعیت سیاسی برای دولتهای بورژوازی جدید در تکه پاره های امپراطوری مضمحل شده به جلوی صحنه رانده میشود. هر روز مساله ملی جدیدی ساخته میشود. بحث حق تعیین سرنوشت وسیعا به بالای دستور رانده میشود. جالب اینجاست همان روندی که مسائل ملی جدید را به میان میکشد، حل مسائل ملی قدیم را محتمل تر میکند.

این شرایط زمین تا آسمان با دوره های دیگر فرق دارد. کل مساله بر متن يك واپسگرایی عظیم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جریان دارد. ناسیونالیسم قومی در منحنی ترین و فاسدترین اشکال آن پرچمدار مساله ملی است. برخلاف دوران مارکس و لنین، ملت سازی امروز و هویتهای ملی در حال حدادی شدن، ربطی به جلو رفتن مادی تاریخ در هیچ جهت مثبتی ندارند. نوك تیز این ناسیونالیسم مستقیما علیه کارگر و کمونیسم و حتی رفرم و لیبرالیسم است. تکرار ساده فرمول لنین در قبال استقلال مستعمرات و فرمول مارکس در قبال ملت سازی بورژوازی قرن نوزدهم جواب مسائل امروز نیست. کمونیست و کارگر امروز باید جواب مساله ملی امروز را، آنطور که هست، بدهد. در این تلاش بنظر من میتوان به تبیینی رسید که به دوره های گذشته نیز قابل تعمیم باشد و جوهر انقلابی و منسجم برخوردار مارکس و لنین را نیز با شفافیت بیشتری نشان بدهد.

ملت، ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری / مجموعه آثار منصور حکمت جلد هشتم

## صفحه بندی: فرزام کرباسی

تلفن و ای مایل آدرس تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdolgolparian1@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: فرزام کرباسی

E-mail: farzam.karbasi@gmail.com



سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!